



جمهوری اسلامی ایران  
قوه قضائیه  
معاونت امور بین الملل



جمهوری اسلامی ایران  
ستاد حقوق بشر

گزارش شماره ۱۳ و ۱۴ : هشتم و بیستم و دوم خرداد ماه ۱۴۰۳

## دادگاه رسیدگی به اتهامات گروهک تروریستی منافقین (موسوم به سازمان مجاهدین خلق)



معاونت امور بین الملل قوه قضائیه  
و ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران



**دادگاه رسیدگی به اتهامات گروهک تروریستی منافقین  
(موسوم به سازمان مجاهدین خلق)**

(گزارش شماره ۱۳ و ۱۴: هشتم و بیست و دوم خرداد ماه ۱۴۰۳)

معاونت امور بین الملل قوه قضائیه  
و ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا به امروز، یکی از بزرگترین قربانیان تروریسم و جولانگاه گروهک‌های تروریستی داخلی و خارجی بوده و در این مدت، هزاران انسان بی‌گناه به دست آنان شهید و یا به شدت مجروح شده‌اند. گروهک‌های تروریستی تمامی اقشار جامعه از زن و مرد، کودک و پیر، و دانشمندان را هدف قرار داده‌اند. در این میان، بیشترین ترورها که مصداق جنایت علیه بشریت است، توسط گروهک تروریستی منافقین (موسوم به سازمان مجاهدین خلق) در ایران انجام شده است. این گروهک از همان آغاز انقلاب اسلامی با انجام انفجار در مراکز شلوغ شهرها، ترور مسؤولان کشور، حمله به افراد با اسلحه و چاقو، آدم‌ربایی و شکنجه مردم و خیانت به کشور از جمله از طریق جاسوسی برای رژیم بعث صدام، به نوعی شروع به انتقام از مردم بی‌گناه نمود؛ به طوری که ۱۷ هزار نفر توسط عوامل این گروهک به شهادت رسیده‌اند.



در معرفی منافقین همین بس که مهمترین اولویت و مبنای اصلی عملکرد آن، ترور و قتل افرادی است که با آنان هم نظر نبوده و آنان را منکر می‌شدند. این مسئله را می‌توان به طور مشهود، در اسناد و بیانیه‌های منتشره توسط آنان مشاهده نمود. حال آنکه قتل و کشتن

افراد بی‌گناه آن هم به شیوه‌های ناجوانمردانه، مانند بمب‌گذاری در مراکز تجمع غیرنظامیان، آشکارترین و فاحش‌ترین نقض حقوق بشر می‌باشد. بر همین اساس، عوامل این گروه در سال ۱۳۶۰ دست به ترور و کشتار مسؤولین کشور از جمله رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس قوه قضائیه، وزراء، نمایندگان مجلس، روحانیون برجسته کشور و شهروندان ایرانی در مقیاس گسترده‌ای زدند. منافقین پس از ترور شخصیت‌های کشور در سال ۱۳۶۰، روی به سمت کشتار مردم بی‌گناه آورده و تنها بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷، بیش از ۱۷ هزار نفر از مردم را به شهادت رساندند که اسامی و اسناد آنها موجود است. از دیگر جرائم این گروهک، خیانت به کشور و جاسوسی برای دولت‌های متخاصم می‌باشد. این گروهک در جریان تجاوز رژیم بعث عراق به ایران، اطلاعات مختلفی از جمله محل تجمع شهروندان را برای موشک باران به این رژیم منتقل می‌نمود.

مردم بی‌گناه دیگر کشورهای منطقه از جمله عراق و سوریه نیز شاهد جنایت‌های این گروهک بوده‌اند. نیروهای منافقین، پس از استقرار در عراق و در همکاری با رژیم صدام، جنایات گسترده‌ای علیه اقوام مختلف این کشور از جمله شیعیان و اکراد مرتکب شدند. تنها در یکی از جنایت‌ها که به "انفال کردها" مشهور است و از فوریه تا سپتامبر ۱۹۸۸ در استان‌های کرکوک، دیاله، نینوا و صلاح‌الدین اجراء شد، روستاهای بسیاری نابود و بیش از ۱۸۲ هزار جمعیت بی‌دفاع با همکاری نیروهای منافقین به طرق فجیعی از جمله زنده به گور کردن، بریدن سر، تیرباران‌های جمعی و سوزاندن به قتل رسیدند. نظام قضائی عراق در همین رابطه پرونده‌ای را برای منافقین مفتوح نموده و برای ۱۱۸ نفر از عوامل اصلی آن حکم جلب صادر کرده است. این گروهک، همچنین پس از آغاز فعالیت گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق از سال ۲۰۱۱، همراه با دیگر تروریست‌ها در سوریه دست به کشتار گسترده مردم سوریه زده و ضمن آموزش نیروهای تروریستی، جنایات گسترده‌ای را در این منطقه انجام داده‌اند.

سران این گروهک جنایتکار نه تنها به مخالفین خود رحم ننموده و آنها را به طرز فجیعی به قتل می‌رسانند، بلکه به نیروهای تحت فرمان و عضو سازمان خود نیز رحم نکرده و ضمن وضع قوانین داخلی بسیار سخت، افراد نقض‌کننده این قوانین را به طرق دردناکی از جمله انداختن در سیاهچال، اعدام، عقیم نمودن، شکنجه‌های وحشتناک، عدم ملاقات همسر تا چندماه، و دور نگه داشتن کودکان از والدین به مدت طولانی تنبیه می‌کنند. سرکرده قبلی این گروهک (مسعود رجوی) به منظور مطیع نگه داشتن زنان عضو، ضمن اعمال قوانین سخت، بسیاری از آنان را

عقیم نموده و در اقدامی غیرانسانی و غیراخلاقی، برخی از زنان را وادار به جدایی از همسر و اجبار به ازدواج با خود نموده است.

با توجه به مصونیت اعطایی از سوی برخی کشورهای غربی و آمریکا به این گروهک و پهن نمودن فرش قرمز برای حضور در جلسات و نشست‌های دولتی و پارلمانی و حتی حمایت مادی و معنوی از آنان، در کمال تأسف مدتی است شاهد آن هستیم که سران این نهاد جانی و خطرناک، چهره حقوق بشری به خود گرفته و خود را حامی حقوق بشر معرفی می‌نمایند!

در اسناد رسمی منتشره از سوی نهادهای دولتی و امنیتی وابسته به کشورهای غربی، بارها به ماهیت تروریستی گروهک منافقین اذعان شده و از سوی این نهادها تحریم شده‌اند. به عنوان مثال، در گزارش منتشره از سوی اداره تحقیقات فدرال آمریکا در سال ۲۰۰۴، ضمن اشاره به اینکه این نهاد در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد، آمده است که شورای ملی مقاومت (منافقین)، تروریسم را به عنوان ابزاری جهت مقابله با حکومت ایران می‌داند. در گزارش دادگاه استیناف منطقه کلمبیا آمریکا در ژوئیه ۲۰۱۰ نیز آمده است که این نهاد به برخی نیروهای زن خود، آموزش عملیات انتحاری داده است. کانادا تا سال ۲۰۱۲ این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد. اتحادیه اروپا نیز تا سال ۲۰۰۹ هر سال نام این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار می‌داد و تا پیش از آن، اسناد و بیانیه‌های فراوانی از سوی مقامات مختلف کشورهای اروپایی در اذعان به تروریستی بودن این نهاد منتشر می‌شد.

دروغ‌پردازی‌های این سازمان در دفاع از حقوق بشر را می‌توان علاوه بر نگاه به گذشته آنها، در بیانیه سرکرده این گروهک تروریستی در دوم نوامبر ۲۰۱۴ مشاهده نمود. وی در این بیانیه از تمامی هواداران خود خواست نه تنها مقامات جمهوری اسلامی و مخالفان خود را ترور کرده و به قتل برسانند، بلکه از آنان خواسته است تا آن دسته از اعضای سازمان را که توانسته‌اند از این سازمان فرار کنند، دستگیر و به قتل برسانند. در تایید ماهیت ضد حقوق بشری این گروهک، همچنین می‌توان به سندی که اخیراً (۴ فوریه ۲۰۲۲) مبنی بر همکاری سرکرده سابق این گروهک با سازمان اطلاعات و امنیت رژیم دیکتاتور شاه موسوم به ساواک منتشر شد، اشاره کرد. برابر این سند، فرمانده سابق این گروهک نه تنها عامل ساواک در شناسائی، قتل و کشتار مردم مخالف رژیم شاه بود، بلکه حتی نسبت به اعضای گروهک خود نیز رحمی نشان نمی‌داد.

پارلمان اروپا در قطعنامه مورخ ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۳ خود در مورد "توصیه‌هایی برای اصلاح مقررات پارلمان اروپا در مورد شفافیت، صداقت، پاسخگویی و مبارزه با فساد" نیز در یک بند

از فریبکاری‌های این گروهک تروریستی برای جذب سیاستمداران و سوء استفاده از نام آن‌ها پرده‌برداری می‌کند. این قطعنامه، گروهک تروریستی منافقین را سازمانی معرفی کرده است که «متهم به ارباب، شکنجه و قتل اعضای دیاسپورای ایرانی است و از شیوه‌های تهاجمی و مبهم برای دیدار با نمایندگان پارلمان اروپا، از جمله با پنهان کردن وابستگی حقیقی خود به این گروه استفاده می‌کند.» «قرار دادن نام نمایندگان پارلمان اروپا در فهرست امضاء کنندگان نامه‌هایی که امضاء نکرده‌اند یا به عنوان میزبان مشترک کنفرانس‌هایی که هرگز آن را تایید نکرده‌اند و همچنین استفاده از ۴۵ عنوان جعلی برای گمراه کردن نمایندگان پارلمان اروپا»، از دیگر اقدامات فریبکارانه این گروهک است که در این قطعنامه به آن‌ها اشاره شده است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که گروهک منافقین همچنان ماهیت تروریستی خود را حفظ کرده است. برخی از اعضای این گروهک اخیراً نیز در جریان فعالیت‌های تروریستی دستگیر شده و به نظام قضائی معرفی شده‌اند.

### **تشکیل پرونده و رسیدگی قضائی به پرونده گروهک تروریستی منافقین و اعضای فعال و اصلی آن**

با ارسال کیفرخواست ۷۲۹ صفحه‌ای شامل ۶۷۵۷ صفحه مستندات مکتوب و ۱۰۰۰ ساعت مستندات صوتی و تصویری در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ از سوی دادستانی تهران (پایتخت) به دادگستری تهران، شعبه‌ای از دادگاه کیفری ۱ تهران با حضور سه قاضی (یک رئیس و دو مستشار) برای رسیدگی به این پرونده تعیین گردید. از اینرو، اولین جلسه دادگاه، پس از طی تشریفات قانونی، در ۲۱ آذرماه ۱۴۰۲ به صورت علنی برگزار گردید.



## جلسه سیزدهم رسیدگی قضائی به پرونده گروهک تروریستی منافقین و اعضای

### فعال و اصلی آن

سیزدهمین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده گروهک تروریستی منافقین و اعضای فعال و اصلی آن، در هشتم خردادماه ۱۴۰۳ با حضور وکلا، جمعی از خانواده‌های قربانیان، قضات شعبه رسیدگی کننده، نماینده دادستان و به صورت علنی برگزار گردید.

در ابتدای این جلسه **رئیس دادگاه** بیان کرد: با توجه به اتمام قرائت کیفرخواست، دادگاه در حال استماع شکایات شکات توسط وکلای آن‌ها است. اتهاماتی در قالب کیفرخواست به یک سازمان تروریستی وارد شده است که اساس آن لطمه زدن به انقلاب اسلامی می باشد. اهداف پلیس بین‌الملل ایجاد امنیت عمومی در دنیا، مبارزه با تروریسم و تحت تعقیب قرار دادن مجرمین و استرداد آن‌ها است، گفت: این دادگاه برابر مقررات قانونی مبادرت به صدور اعلان قرمز برای متهمان کرده است. امروز به تمام کشورهای میزبان متهمان این پرونده اعلام می‌کنم این متهمان تحت تعقیب پلیس بین‌الملل قرار دارند و هرگونه صدور اوراق شناسایی، هویت و یا تسهیل روادید برای متهمان این پرونده توسط دولت‌های میزبان خلاف قوانین پلیس بین‌الملل

است؛ لذا به تمام کشورهایی که قوانین پلیس بین‌الملل را پذیرفته‌اند اعلام می‌کنیم با پلیس بین‌الملل همکاری و برای تامین امنیت مردم خود اقدام کنند.

در ادامه، خانم مرادی یکی از وکلای شکات پرونده برای بیان اظهارات و دفاعیات خود در جایگاه قرار گرفت. اهم مطالب مطروحه از سوی ایشان به شرح زیر می‌باشد:

«از قوه قضاییه تشکر می‌کنم که امکانی را فراهم کرده است تا جنایت‌های گروهک تروریستی منافقین مورد رسیدگی قرار بگیرد؛ جنایت‌هایی که علیه ۱۷ هزار نفر ایرانی صورت گرفته است و باید ۱۷ هزار دادگاه در این رابطه تشکیل و ۱۷ هزار رای صادر شود. دادگاه باید هر مورد را به تفصیل بررسی کند. تمام دنیا شاهد جلسات این دادگاه است. امروز می‌خواهم در مورد کشتارهای داعش‌گونه منافقین صحبت کنم. این کشتارها ریشه حقوقی، سیاسی و اعتقادی دارد. کتاب‌هایی امروز به دادگاه ارائه شده که اسنادی مهم از اقرار خود اعضای گروهک مجاهدین خلق نسبت به جنایاتی که انجام داده‌اند، در آنها آورده شده است. از جمله این کتاب‌ها، نشریه مجاهد است و کتاب ذخیره‌های امپریالیسم است.

ناشر تمام این کتاب‌ها سازمان مجاهدین خلق است. سازمان مجاهدین در قبال همکاری که با رژیم صدام می‌کرده، پول‌های کلان و نفت دریافت می‌نمود و در ازای این پول‌ها، علیه رزمندگان ایرانی جنایاتی انجام می‌دادند و فیلم‌هایی در این رابطه وجود دارد. سازمانی که خود را مجاهد خلق معرفی می‌کند، یک سازمان تروریستی است و گروهک‌های تروریستی در جوامع بین‌المللی منفور هستند. حتی کشورهای غربی و آمریکا قوانینی در مقابله با تروریسم وضع کرده‌اند. به نظر می‌رسد تبیین ماهیت تروریستی این گروهک و اینکه گروهک مزبور با توجه به مبانی نظری موضع‌گیری‌ها، اقدامات و اعمال مجرمانه مرتکب شده و مصداق گروه مجرمانه تروریستی است، امری ضروری است. موارد متعددی از جنایات و اقدامات تروریستی وجود دارد که توسط اعضای این گروهک انجام گرفته است و گروهک در نشریه منتسب به خود با عنوان نشریه مجاهد، مسئولیت آن را پذیرفته است.»





## دفاع وکیل منافقین از موکلان خود

در ادامه جلسه دادگاه، محمدی وکیل متهمان در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از موکلان خود بیان کرد: «از ابتدای قرائت کیفرخواست، موضوعاتی خارج از کیفرخواست در رابطه با متهمان بیان می شود. در جلسه گذشته یکی از کارشناسان، موکلان بنده را مُلحد خطاب کرد. در صورتی که موکلان بنده حداقل در ظاهر اسلام را قبول دارند. در چند جلسه گذشته وکلای شکات صحبت کردند، اما اعلام نکردند که در مورد کدام عنوان اتهامی صحبت می کنند.»



## مریم رجوی به صراحت می گوید ما و داعش یک حقیقت مشترک هستیم

در ادامه جلسه  
دادگاه، «حجت الاسلام  
و المسلمین صداقت»

کارشناس مسائل اعتقادی با اجازه قاضی در جایگاه قرار گرفت. اهم مطالب مطروحه از سوی ایشان به شرح زیر می باشد:

«ما خشونت غیرعادی در اعمال اعضای سازمان مجاهدین خلق می بینیم. این سازمان در مقاطع گوناگون رفتار و اعمالی داشته که خشونت در آنها مشاهده می شود و باید بررسی کنیم

که منشا این خشونت کجاست. کتاب «شناخت» کتاب اول ایدئولوژیک این سازمان است؛ این کتاب مجموعه سخنرانی «مسعود رجوی» در دانشگاه تهران بعد از پیروزی انقلاب است و هر فردی که عضو این سازمان می‌شد، باید این کتاب را مطالعه می‌کرد. این کتاب عنوان می‌کند خدایی که ما قبول داریم، یک خدای مادی است. ما با توجه به کتاب‌های خود همین سازمان، مبانی فکری آنها را بررسی می‌کنیم.

کارهای این گروهک را تنها می‌توان با کارهای داعش مقایسه کرد. اعضای این سازمان پوست یک انسان را می‌کنند و به وحشیانه‌ترین حالت ممکن سلاخی می‌کنند و اسم این کار را مهندسی می‌گذارند! اسم واحد شکنجه را واحد مهندسی می‌گذارند؛ همانند ساواک که یک واحد مخصوص شکنجه داشت، آنها نیز واحدی به نام مهندسی داشتند. برخی از افراد را به جرم مذهبی بودن و یا داشتن محاسن، می‌کشتند. ۱۷ هزار نفر کشته شده‌اند و صدها هزار نفر دیگر را در عراق به کمک صدام کشته‌اند. جهان‌بینی این گروهک، یک جهان‌بینی ماتریالیستی است. مبنای اخلاق ماتریالیستی نفع‌محور و منفعت‌نگر است و حرمت ذاتی برای انسان قائل نیست. منافقین به سران خود همچون «شریف واقفی» نیز رحم نکرده‌اند و وحشیانه او را کشتند، سوزاندند و تکه تکه کردند. وحشی‌ترین گروهی که در این سال‌ها در دنیا شکل گرفت داعش بود، مریم رجوی به صراحت می‌گوید ما و داعش یک حقیقت مشترک هستیم.»

**در یک برهه زمانی، سازمان اعضای خود را می‌کشت و ادعا می‌کرد که جمهوری اسلامی آنها را کشته است**

یکی از اعضای جدا شده گروهک که خواست چهره و نامش پنهان بماند، در ادامه جلسه با دستور قاضی دادگاه اظهارات خود را بیان کرد. اهم مطالب مطروحه از سوی وی به شرح زیر می‌باشد:

«اقدامات خشونتی سازمان نه منحصر به جمهوری اسلامی و نه منحصر به یک زمان خاص است. من ۲۲ سال عضو سازمان بودم و تجربه زیستن با اعضای آن را دارم. در اوایل انقلاب اسلامی در ایران، سازمان مجاهدین با لشکرکشی خیابانی قصد داشتند دیده شوند. مسعود رجوی، سرکرده گروهک، معتقد بود اگر اعضای سازمان فقط در خیابان‌ها تردد کنند همان لحظه دیده و از ذهن مردم پاک می‌شوند، اما اگر خشونتی رخ دهد و خونی ریخته شود مردم تا چند روز از حضور مجاهدین صحبت می‌کنند و دیرتر فراموش می‌شوند. در برهه‌ای که دیگر این خشونت‌ها راه به جایی نبرد، مسعود رجوی تئوری ترور سران و سرانگشتان انقلاب را مطرح کرد.

مسعود رجوی معتقد بود قدرت را باید به هر طریقی به دست آورد. تمرین‌های نظامی سازمان در عراق در روستاهایی انجام می‌شد که هوادار جمهوری اسلامی بودند و رژیم صدام به مجاهدین گفته بود که اگر می‌خواهید عملیات نظامی واقعی انجام دهید، در این روستاها انجام دهید و جنایات سازمان منحصر به مردم ایران نبود.

سازمان نسبت به اعضای خود هم خشونت داشت؛ زمانی که سازمان نسبت به من مشکوک شد، من را ۷ ماه زندانی و شکنجه کرد مانند، کشیدن ناخن و سوراخ کردن دندان با مته. در یک برهه زمانی سازمان به اعضا مشکوک شد و آن‌ها را می‌کشت و ادعا می‌کرد که جمهوری اسلامی ایران آنها را کشته است. بعد از دستگیری من، سازمان دیگر به من اعتماد نداشت و اجازه حضور در جمع اعضا را نمی‌داد. در زمانی که در زندان بودم، بنده را سر و ته آویزان کردند و غذا را روی زمین می‌ریختند و دندانم را سوراخ و سیم داخل آن می‌کردند. در خارج از کشور هم به اعضای جداشده سازمان حمله کردند. زمانی که پلیس فردی که به اعضا حمله کرده بود را دستگیر کرد، اعتراف کرد که برای این کار پول دریافت کرده است.»

اغلب افرادی که توسط  
منافقین ترور شدند،  
از مردم عادی جامعه  
بودند



در ادامه جلسه دادگاه، «محمد صادق کوشکی»، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه تاریخ معاصر به عنوان کارشناس مسائل امور بین الملل در جایگاه قرار گرفت. اهم مطالب مطروحه از سوی ایشان به شرح زیر می باشد:

«نشریه «مجاهد» به عنوان ارگان رسمی سازمان منافقین جزو مستندات است، اما روندی که این نشریه طی کرده است را با توجه به پژوهشی که داشته‌ام باید توضیح دهم. نشریه مجاهد متعلق به سازمان مجاهدین از سال ۵۸ آغاز به فعالیت کرد و این نشریه به عنوان اقرار صریح متهم حقوقی قابل استناد است و مسعود رجوی در آن اشاره می‌کند که فاز نظامی سازمان از

سوم خرداد ۶۰ آغاز شده و تا سال ۶۱ طول کشیده است. مسعود رجوی در این نشریه اعلام کرده است که اول شاه مهره‌ها را مورد هدف و بعد از آن، سرانگشتان رژیم را مورد هدف قرار دادیم. رجوی اشاره می‌کند در شهریور سال ۶۱ حدود ۶۰۰ نفر را به تعبیر خودش به هلاکت رسانده‌اند. همچنین در شماره ۱۳۴ این نشریه می‌گوید از آغاز مرحله دوم مقاومت، بیش از هزار تن از یادی رژیم نابود شدند که ۲۸ نفر از سپاه پاسداران بودند.

اغلب افرادی که ترور شدند از مردم عادی جامعه بودند. سازمان در نشریه خودش روش‌های مختلف خشونت را آموزش و ترویج می‌دهد. به‌عنوان مثال، در شماره ۱۳۷ نشریه روش عملیات کمین در جنگل را آموزش می‌دهد و عنوان می‌کند با همین روش در مهرماه سال ۶۱ فرمانده ژاندارمری استان مازندران را در جاده کیاسر به ساری ترور کردیم. همچنین، در شماره ۱۵۶ نشریه مجاهد در مورد نحوه ترور فردی به نام «حاجی احمدی» توضیح داده است. رجوی می‌گوید در فاز اول به سراغ مهره‌هایی رفتیم و در نشریه مجاهد به نحوه ترور شهید کچویی نیز اشاره شده است. وقتی یک سازمانی با جزئیات ترورها را توضیح می‌دهد، به معنی اقرار است. همچنین، در این نشریه نحوه ترور شهید قدوسی، شهید مدنی و شهید هاشمی‌نژاد نیز تشریح شده است. در شماره ۱۳۰ نحوه ترور شهید دستغیب در شیراز را تشریح کرده است. در شماره ۴۵۰ نشریه مجاهد نوشته شده است فردی به نام «علی‌اکبر اکبری» در بازار تهران به سمت شهید لاجوردی تیراندازی کرده است. سازمان در چندین شماره به ترور شهید صیاد شیرازی پرداخته است. در شماره‌های دیگر نشریه به ترور مردم عادی اشاره شده است.»

## جلسه چهاردهم رسیدگی قضائی به پرونده گروهک تروریستی منافقین و اعضای

### فعال و اصلی آن



چهاردهمین جلسه دادگاه در بیست و دوم خردادماه ۱۴۰۳ با حضور وکلا، جمعی از خانواده های قربانیان، قضات شعبه رسیدگی کننده، نماینده دادستان و به صورت علنی برگزار گردید. خانم مرادی یکی از وکلای شکات پرونده برای بیان اظهارات و دفاعیات خود در جایگاه قرار گرفت. اهم مطالب مطروحه از سوی ایشان به شرح زیر می باشد:

«به عنوان وکیل شکات و خانواده شهدا، ضروری می دانم طرح شکایت کنم. خانواده شهدا سه خواسته دارند؛ یک: مطالبه خسارت، دو: مطالبه دیه و سه: مطالبه ضرر و زیان ناشی از جنایاتی که علیه آنها رخ داده است. در کیفرخواست صادره عناوین اتهامی درباره اقدامات تروریستی و جنایات سازمان به اصطلاح مجاهدین خلق موسوم به گروهک منافقین درج شده است. بیش از ۱۷ هزار نفر توسط این گروهک به شهادت رسیده‌اند و در کیفرخواست نام حدود ۶۰۰ شهید درج شده است و تقاضا داریم نام تمام شهدا در کیفرخواست اضافه شود و در مورد آنها نیز صدور رای انجام شود.

سازمان مجاهدین خلق به‌عنوان شخصیت حقوقی، جرایم و اتهاماتی دارد. مجاهد خلق فردی است که برای خلق جهاد می‌کند، مجاهد خلق هوایماریابی نمی‌کند و مجاهد خلق به اماکن فرهنگی و دانشگاه حمله و بمب‌گذاری نمی‌کند و کودکان و افراد بی‌گناه را به بهانه اینکه با نظام و حاکمیت مخالف است، نمی‌کشد. یکی از سیاست‌های کلی سازمان مجاهدین این بوده است که کلیه عملیات‌ها مسلحانه و خشونت‌آمیز باشد که در تمامی عملیات‌ها و جرایمی که روی داده، این موضوع را مشاهده می‌کنید.

جرایم ارتكابی این گروهک همچنان ادامه دارد و همچنان تهدید بزرگی برای امنیت داخلی و خارجی کشور است. در زمان ۸ سال جنگ تحمیلی این گروهک در راستای همکاری با صدام و منافع خود علیه اسیران ایرانی در عراق همکاری می‌کردند. این گروهک در راستای همکاری با دول خارجی علیه ایران از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. موکلان بنده به جد تقاضای اشد مجازات را دارند.»



در ادامه خانم «نصرت شعریاف» همسر شهید حجت الاسلام و المسلمین «رفعتی پور»، شهید ترور در جایگاه قرار گرفت. اهم مطالب مطروحه از سوی ایشان به شرح زیر می‌باشد:

«از منافقین و تمام افرادی که همسر را شهید کردند، شکایت دارم. همسر در زمان شهادت تنها بود و افرادی که شاهد بودند، گفتند که دو نفر به همسرم شلیک کردند. ایشان معمولاً منزل نبودند، صبح زود برای تدریس می‌رفتند و آخر شب برمی‌گشتند. آن زمان به جایی شکایت نکردم و تا به امروز کسی به شکایت ما رسیدگی نکرده است.»

درخواست قصاص

سران و اعضای

منافقین را دارم



در ادامه «زهرا فرشی مقدم» فرزند شهید فرشی مقدم در جایگاه قرار گرفت که اهم مطالب ایشان به شرح زیر می باشد:

«پدرم در نیمه دی ماه ۱۳۶۰ در مغازه آجیل فروشی خود در خیابان امیرآباد شمالی توسط منافقین به شهادت رسید. مدارک و اسنادی داریم نشان می دهد پدرم توسط این گروهک ترور شده است. پدرم پاسدار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نبود، مذهبی و جزو افراد متدین و انقلابی جامعه بودند، ایشان عکس امام خمینی (ره) را در منزل و محل کارشان می زدند. پس از واقعه ۷ تیر، این گروهک نامه هایی برای پدرم فرستادند و ما را تهدید و تعقیب کردند. روز ۱۵ دی ساعت ۲ بعد از ظهر به گفته شهود آنها با قصد قبلی وارد مغازه پدرم می شوند و به سمت پدر شلیک می کنند، بعد از پدر ما را تهدید می کنند، منظور از ما مادرم، تنها برادرم، من و خواهرم که سه ساله بود و شاگرد مغازه پدرم است. در بخشی از نشریه «اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمانان خارج از کشور» که برای مجاهدین است، خبر شهادت پدر من را با افتخار چاپ کرده اند. این تهدیدها ادامه داشت و به مادرم می گفتند تو را هم مثل شوهرت به هلاکت می رسانیم. هر روز ما ترس و اضطراب بود به طوری که مادرم از استرس زیاد مریض شد.

واقعا چه دفاعی می تواند کودکی پر از ترس و واهمه ما را از ذهنمان پاک کند. چه دفاعی می تواند جای پشت و پناهمان را پر کند. از دادگاه تسریع رسیدگی به پرونده را خواستارم. در آن زمان شکایتی نسبت به این موضوع ثبت کردیم. ضارب اصلی پدرم به نام عباس صحرائی بود و مابقی متهمان که ۴ نفر بودند، فرار کردند. متهم اصلی قصاص شد و آن روز را به یاد دارم ۵ نفر همان روز محاکمه شدند که یکی از آنها ضارب پدرم بود، آن زمان ۵ ساله بودم. از دادگاه درخواست داریم اجازه ندهند سران این سازمان به مرگ طبیعی بمیرند و درخواست قصاص داریم.»



در ادامه خانم مرادی، وکیل شکات در جایگاه قرار گرفت که اهم اظهارات ایشان به شرح زیر می باشد:

«نام دو نفر از اعضای اصلی و اثرگذار سازمان مجاهدین خلق به نام‌های «مسعود کشمیری» و «محمدرضا کلاهی صمدی» که در انفجار ساختمان نخست وزیری و حزب جمهوری دست داشتند و از عاملین این حوادث بودند، در کیفرخواست نیست. مسعود کشمیری زمانی که از اعضای اصلی سازمان مجاهدین خلق بود، متأسفانه جانشین دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران هم بوده است. متأسفانه نام این افراد در کیفرخواست نیست. تقاضا دارم نام این افراد در کیفرخواست اضافه شود. کیفرخواست به حوادث اخیر نیز اشاره‌ای نداشته است.

براساس ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی درخواست اشد مجازات برای متهمان پرونده را داریم. هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ یا کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند، صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود، به یک تا ۵ سال حبس محکوم می‌شود. ما در تمام رسانه‌هایشان شاهد این هستیم که به راحتی مردم را به کشتار، ترور اشخاص و تخریب تشویق می‌کنند و به آن‌ها آموزش می‌دهند و سلاح در اختیار مردم قرار می‌دهند، نظیر اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۱ در کشور رخ داد.

در سال ۲۰۱۰ نام این سازمان از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا خارج می‌شود. این مسئله که آن‌ها خودشان این سازمان را محکوم کردند و سپس از فهرست سازمان‌های تروریستی



خارج کردند، نشان‌دهنده حمایت آمریکا از این گروهک تروریستی است؛ همان‌طور که خودشان پرورش دهنده القاعده و داعش و دیگر سازمان‌های تروریستی هستند و از آن‌ها حمایت می‌کنند و بودجه در اختیارشان قرار می‌دهند.

آن‌ها قطعنامه‌هایی را تصویب می‌کنند که خودشان به آن پایبند نیستند و آن که مطابق با نظر و سلیقه‌شان باشد را از فهرست تروریسم خارج می‌کنند و آنکه مطابق منافعشان نباشد، تروریسم می‌دانند. نکته قابل‌تأمل این است که چه‌طور کشورهای نظیر آلبانی، فرانسه، آلمان و آمریکا اعضای سازمان مجاهدین خلق را به راحتی در کشورشان استقرار می‌دهند و به سران و اعضای این گروهک اجازه فعالیت آزادانه می‌دهند؟ این مسئله نشان‌دهنده رویکرد دوگانه کشورهای مذکور در مقابله با تروریسم است.

توجه دادگاه را به قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم مصوب ۱۳ اسفند ۱۳۹۴ و تطابق آن با جرایمی که انجام داده‌اند، جلب می‌کنم. طبق ماده ۱ این قانون تهیه و جمع‌آوری وجوه و اموال به هر طریق چه دارای منشا قانونی باشد یا خیر و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز جلب کمک‌های مالی و پولی، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تامین اعتبار و انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی که مرتکب یکی از اعمال زیر شوند، تامین مالی تروریسم بوده و جرم محسوب می‌شود. مصادیق جرم تروریستی اعم از ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید، ربودن، گروگان‌گیری اشخاص و یا اقدام و خشونت‌آمیز آگاهانه علیه افراد دارای مصونیت قانونی یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آن‌ها به قصد تاثیرگذاری بر خط مشی تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری یا سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در قلمرو جمهوری اسلامی، خرابکاری در انبار تاسیسات عمومی دولتی و غیردولتی، تولید، تهیه، خرید، فروش و استفاده غیر قانونی و قاچاق مواد منفجره، اسلحه و مهمات، اعمال خطرناک علیه امنیت هواپیما یا هوانوردی مسافری یا خدمه هواپیما، تصرف هواپیمایی در حال پرواز و اعمال کنترل غیرقانونی بر آن، ارتکاب خشونت علیه مسافر یا مسافران، بمب‌گذاری در اماکن عمومی، تاسیسات دولتی، شبکه حمل و نقل عمومی و... است.»



در ادامه «سید محمدرضا موسوی فر»، استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی و پژوهشگر حوزه تروریسم در جایگاه قرار گرفت. اهم مطالب ایشان به شرح زیر می باشد:

«شاهد این مسئله هستیم که بعضی دولت‌ها به راحتی از گروهک تروریستی حمایت می کنند، مثل دولت کنونی آلبانی که میزبان این گروه تروریستی و دیگر گروه های تروریستی هستند. اگر از باب مصداق شناسی ورود پیدا کنیم، اقدامات تروریستی که اعضای این گروه‌ها انجام می‌دهند در قالب جرایم سازمان یافته بین‌المللی است که در کنوانسیون بین‌المللی پالرمو جرم‌انگاری شده است و بیشتر کشورها نیز آن را پذیرفتند. اقدام‌هایی که این گروه‌ها با اهداف سیاسی انجام می‌دهند، دقیقا یکی از مصداق‌های بازر است که در کنوانسیون بین‌المللی پالرمو جرم‌انگاری شده است.

در مواردی شاهد این موضوع بودیم که اعضای این گروه‌ها در ذیل اقداماتشان کوچ‌های اجباری، تهدیدات و نوعی تسویه نسلی داشتند و این‌ها بحث‌هایی است که ذیل اساس‌نامه‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری به عنوان مصادیق جنایتهای جنگی و جنگ علیه امنیت و بشریت آمده است. از آنجایی که این‌ها جزو دولت نیستند، دادگاه بین‌المللی لاهه ذیل جوامع سازمان یافته این صلاحیت را دارد که به این قضایا ورود پیدا کند و دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی و کشورهاییی که آن را پذیرفتند، می‌توانند به این قضایا ورود و به آن‌ها رسیدگی کنند. با مستندات داخلی که توسط وکلا و شکات تقویم دادگاه می‌شود و قطعا توسط دادگاه مستندسازی خواهد شد، می‌توان این مسئله را پیگیری کرد. پیشنهاد من به دادگاه این است که حتما سعی شود احقاق حق افرادی که مورد ظلم واقع شده‌اند، پیگیری شود تا گوشه‌ای از ظلمی که به آنها شده است جبران شود.»

جمهوری اسلامی ایران بزرگترین قربانی تروریسم است اما به کشوری لشکرکشی

نمی کند

در ادامه این جلسه حجت الاسلام و المسلمین دهقانی، رئیس دادگاه مطالبی را عنوان

کرد که اهم آن به شرح زیر می باشد:

«امروز مردم ایران و دنیا نظاره و راستی آزمایی خواهند کرد که کشوری که رئیس جمهورش می گوید با تروریسم اعلان جنگ می کنیم، آیا اعلان جنگ با تروریسم سازگار با میزبانی متهمان به جنایت علیه بشریت با ارتکاب و اقدامات تروریستی دارد یا خیر؟ یک کشور نمی تواند اعلان جنگ با تروریسم کند و میزبان متهمان ارتکاب به اقدامات تروریستی باشد. این دادگاه در حال رسیدگی به اتهامات افرادی با عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران به اتهام جنایت علیه بشریت با ارتکاب و اقدامات تروریستی است.

به عنوان رئیس دادگاه به جامعه قضایی اروپا و آمریکا اعلام می کنم روسای جمهور شما اعلان جنگ علیه تروریسم کرده اند و در این دادگاه با حق آزادی انتخاب و کیل که از شاخصه های مهم رعایت عدالت در نظام حقوق بین الملل است، اتهامات متهمانی به اتهام جنایت علیه بشریت با اقدامات تروریستی در حال رسیدگی است. اگر نظام قضایی دولت های اروپایی و آمریکایی گوش شنوا دارند و واقعاً منطبق با قانون و قوانین خود عمل می کنند، به عنوان قاضی دادگاه سوال می کنم که آیا مقامات فرانسه، آلبانی، آمریکا و کشورهای اروپایی می توانند با کسانی که برای آنها از دادگاه های متعدد چه در ایران و در کشورهای دیگر قرار جلب بین المللی صادر شده، جلسه مشترک بگذارند. در سال ۲۰۰۴ جورج بوش در سخنرانی خود، خود را در حال جنگ با تروریسم بیان و اعلام کرد که حتی برای این جنگ حاضر است و نیاز به اعمال حقوقی نیست. در حالی که کشور جمهوری اسلامی ایران بر اساس کیفرخواست صادره از بزرگترین قربانیان تروریسم است، اما لشکرکشی به کشوری نمی کند، بلکه با تکیه بر موازین قضایی و حقوقی به دنبال رسیدگی در چهارچوب حقوق کیفری مقبول و قانونی جمهوری اسلامی ایران است.

بعد از وقایع انفجارهای یازده سپتامبر در آمریکا بسیاری از کشورها مقابله با تروریسم بین الملل را به عنوان قوانین خود مدنظر قرار دادند و بسیاری از قوانین کشورهای اروپایی و میزبان امروز متهمان این پرونده، ملتزم به رعایت قوانین در مبارزه با تروریسم شده اند. دولت آمریکا در سال ۲۰۰۴ به بهانه انفجار ۲ ساختمان به کشورهای دیگر برای مبارزه با تروریسم حمله کرده است. امروز به عنوان رئیس این دادگاه به دولتمردان آمریکا اعلام می کنم بر اساس

این کیفرخواست در این دادگاه که ادعای اصلی آن قربانی بودن مردم شریف ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است، اگر آنها هنوز بر ادعاهایی که کرده‌اند پایبند باشند از میزبانی، همراهی یا جلسه مشترک با متهمان این پرونده باید خودداری کنند تا زمانی که دادگاه برابر موازین قضایی به جرایم آنها رسیدگی کند.»

### خانم‌ها در سازمان مجاهدین خلق هیچ اختیاری برای انتخاب همسر خود نداشتند حجت الاسلام والمسلمین صداقت در ادامه جلسه در جایگاه قرار گرفت که اهم مطالب

مطروحه از سوی ایشان به شرح زیر می باشد:

«اینکه می‌گوئیم یکی از عناوین اتهامی سازمان جنایت علیه بشریت است، به جهت صحنه‌هایی است که آنها علیه زنان و حتی زنان خود این سازمان مرتکب شده‌اند؛ باید از کسی که به خودش جنایت می‌کند وحشت کرد. «نادره افشاری»، عضو جدا شده از این گروهک، می‌گوید رهبران سازمان برای انسان ارزش قائل نیستند. آنها جان انسان را بی‌ارزش می‌دانند و رابطه عاطفی مادر و کودک را خراب می‌کنند.

اگر بخواهیم به رفتار با زنان در گروهک مجاهدین خلق بپردازیم، بخشی از آن به زمان «حنیف‌نژاد» از موسسان این گروهک برمی‌گردد؛ وی معتقد بود اگر زن با مرد به‌عنوان همسر با هم ارتباط داشته باشند، نافی مبارزه است. نتیجه این افراط سبب شد که پس از او خانه‌های تیمی به خانه‌های فساد و فحشا تبدیل شود که زنان در آنجا دست به دست می‌شدند. دخترانی که در این خانه‌های تیمی زندگی می‌کردند، زیر دست رئیس آن خانه تیمی بودند و به آن‌ها یاد داده بودند که جان، مال و دین شما تحت اختیار فرمانده سازمانی شما است و با توجه به اینکه فرماندهان هم تعهد اخلاقی نداشتند، یا خود بهره‌کشی جنسی از آن‌ها می‌کردند یا در معاملات درون سازمانی آن‌ها را واگذار می‌کردند.

کتاب «مرداب» شمس حائری به این اشاره می‌کند که زنان در این سازمان وسیله باج‌دهی به مردان شده بودند و بسیار اتفاق افتاده بود که دختران جوان را به مردان مسن می‌دانند. ازدواج در این سازمان بر اساس مصالح سازمانی بود. آنها که ادعای حمایت از زنان می‌کنند، مشاهده کنید که در حق زنان خود چه می‌کردند. ماجرای طلاق‌های سال ۱۳۶۸ که به آن انقلاب ایدئولوژیک می‌گفتند، اینگونه بود که آنها دختران جوانی که دانشجو و در حال تحصیل بودند را به عراق برده و بدون آموزش به عملیاتی به‌نام فروغ جاویدان فرستادند که شکست خوردند و از اینجا موضوع طلاق ایدئولوژیک آغاز شد.

این عملیات باعث شد که مسعود رجوی علت شکست را این بداند که آنها در عملیات به فکر همسرهای خود بودند و این شکست بهانه‌ای برای طلاق‌های ایدئولوژیک شد. تمام زنان و مردان عضو سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۶۸ به شکل خاصی از یکدیگر جدا شدند و تا امروز نیز این ماجرا برقرار است؛ یعنی هیچ زن و مردی در سازمان مجاهدین خلق حق ندارد که ازدواج کند. پس از طلاق، کودکان آنها را نیز به کشورهای اروپایی فرستادند، بدون اینکه بدانند پدر و مادر آنها کیست و بدون اینکه پدر مادر آنها بدانند کودکان آنها کجا هستند. این جنایتی بود که علیه خودشان مرتکب شدند. پس از ماجرای طلاق‌های اجباری، عملیات «جاری» مطرح شد. در این عملیات اعضا باید به افکار و اعمالی که به‌عنوان خلاف مرتکب شدند، اعتراف می‌کردند. به تمام زن‌هایی که طلاق گرفتند اعلام شد که شما فقط یک همسر دارید و همسر شما مسعود رجوی است. اعضا این نگاه را داشتند که مسعود رجوی از همه وجود آنها آگاه است، با این نگاه کسی جرات نمی‌کرد که مسائل را پنهان کند. به زنان و مردان گفته بودند که شما باید با کینه و نفرت از یکدیگر جدا شوید و باید عمیقاً بفهمید که همسران شما سد راه شما هستند و بین شما و رهبری پرده ضخیمی کشیده شده و نمی‌گذارند شما مستقیم به رهبری وصل شوید.»

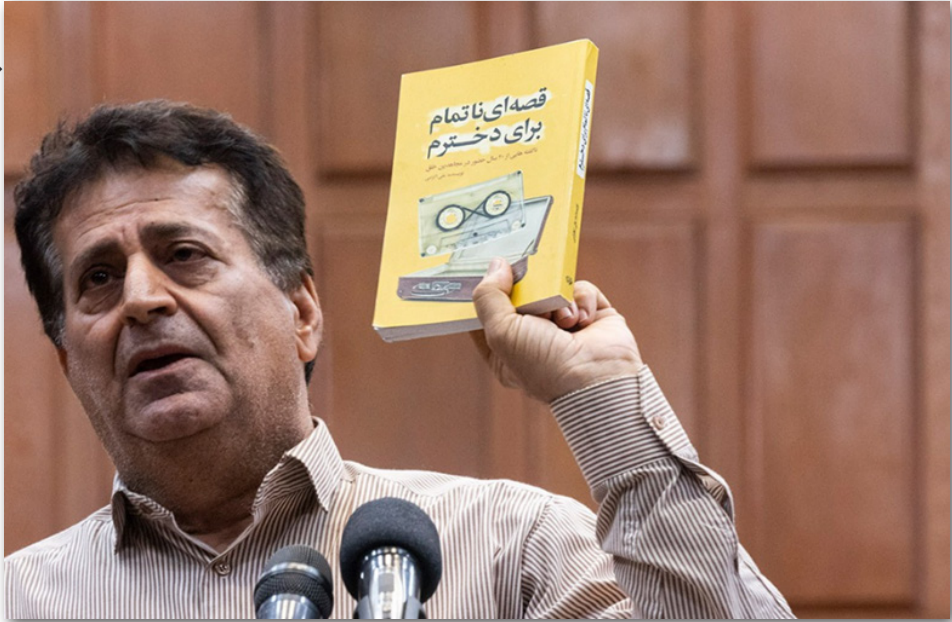


عضو وقت سازمان که با  
وساطت آیت الله شهید  
رئییسی توانست رضایت  
خانواده شهید را بگیرد و  
از اعدام رها شود

**مرتضی ترکمن، عضو سابق سازمان مجاهدین خلق در ادامه این دادگاه عنوان کرد:**  
«در سال ۱۳۵۸، چندین ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، از طریق دوستانم با سازمان مجاهدین خلق آشنا شدم و با ترفندهای تبلیغاتی به عضویت این سازمان درآمدم. آنها معمولاً با برانگیختن احساسات، ترفندهای روانشناسی و با توجه به سابقه کار تشکیلاتی‌شان جوانان را جذب می‌کردند و صرفاً با مطرح کردن یک سری شعارهای دهنپرکن مانند ایجاد جامعه توحیدی بدون طبقه و مبارزه با امپریالیسم مردم را به سمت خود جذب می‌کردند. بعد

از عضویت در این سازمان، با خط مشی آن‌ها آشنا شدم. سازمان مجاهدین ادعا می‌کرد اولین گروهی بود که سرهنگ آمریکایی را ترور کرده بود و همیشه خود را ضدامپریالیسم می‌دانستند. بعد از اینکه در سال ۱۳۶۰ مجاهدین وارد فاز نظامی شدند، در آن زمان که سرباز بودم من را مجبور به فرار کردند و چندین بار برای اینکه من را آزمایش کنند، در شهرهای درود و نهاوند قرار گذاشتند و نیامدند و در نهایت در قرار سوم در همدان جذب سازمان شدم. مجاهدین یک طرحی به نام «شکار» داشتند. در این طرح می‌گفتند فقط نباید به دنبال دانه درشت‌ها بود، بلکه کسی که ظاهرش شبیه به حزب‌اللهی‌ها است هم باید ترور شود و عملیاتی که من انجام دادم در همین راستا بود.

ما مدت‌ها در یک خانه تیمی به همراه دو نفر زندگی می‌کردیم که هزینه اجاره و زندگی ما را سازمان تامین می‌کرد؛ بعد از یک ماه سازمان مجاهدین از ما درخواست انجام عملیات کرد که هدفش هم ترور فروشنده یک مغازه لوازم ورزشی بود. در این عملیات، به من یک نارنجک داده بودند و یک موتورسوار مسلح هم با من بود. نارنجک را در فاصله ۵ متری داخل مغازه پرتاب کردم که ترکش آن به یک رهگذر برخورد کرده بود، ولی سازمان گفته بود که رهگذر صرفاً یک خراش برداشته است، ولی بعداً مشخص شد که شهید شده است. ما با اینکه می‌دانستیم این نارنجک ممکن است فردی را به کشتن دهد، اما فکر نمی‌کردیم این کار غلط باشد و هدف صرفاً این بود که یک به اصطلاح «مزدور» از بین برود. سازمان مجاهدین خلق اعتقاد داشت که کارهای نظام جمهوری اسلامی ضدبشری است و جاده صاف‌کن امپریالیسم است. بعد از دستگیری به حبس محکوم شدم. در زندان هم تشکیلات سازمان را حفظ کرده بودیم و به ما اجازه نمی‌دادند که اعضا از سازمان جدا شوند و با افراد عضو سازمان که در زندان بودند، ارتباط داشتیم. ۶ سال در زندان بودم که اطلاعات یک عملیات دیگر را به مسئولان زندان دادم و مجدد محاکمه شدم و به من حکم اعدام دادند. در آن زمان آیت‌الله رئیسی، دادستان همدان بود. آیت‌رئسی به برادرم گفته بود که صبر کنید برای تغییر حکم برادرتان راه قانونی پیدا شود. ما دوست نداریم حکم اعدام اجرا شود. آقای رئیسی به دنبال راه قانونی برای نجات من بودند. در نهایت، با پرداخت دیه حکم اعدام به ۲۰ سال حبس تبدیل شد اما کمتر از این مقدار در زندان بودم.



ما قربانی سازمان مجاهدین خلق هستیم و سنخیتی با سیاست‌های آنها نداریم در ادامه «علی اکرامی»، عضو جدا شده از سازمان مجاهدین خلق در جایگاه قرار گرفت و بیان کرد:

«هم‌زمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، تحت‌تأثیر شعارهای پرجذبه و فریبنده این گروهک قرار گرفتم و به عضویت آن درآمد. در سال ۶۴ بعد از ۴ سال زندگی مخفی در ایران، ابتدا به پاکستان و از آنجا به عراق رفتم و در سال ۷۰ به عضویت شورای مرکزی این جریان درآمد. حدود ۶ سال در روابط خارجی این سازمان فعالیت می‌کردم و درباره ماهیت عملکردهای روابط خارجی این سازمان به افشای حقایق پشت پرده رابطه با صدام می‌پردازم. در جلسه یازدهم دادگاه ویدئویی از ملاقات مخفیانه رجوی با سران مخابرات صدام پخش شد. کتاب «جنايات پشت پرده متن مذاكرات رهبران مجاهدین خلق با روسای امنیتی و اطلاعاتی رژیم بعثی صدام»، متن نوشتاری این ملاقات است. در این کتاب دقیقاً و به‌طور واضح گفته می‌شود که در جریان مذاکره بین رئیس مخابرات عراق طراحی، سازماندهی و ابداع تمامی عملیات‌هایی که در ایران انجام می‌شود، از طرف آنها است؛ از جمله شهادت شهید صیاد شیرازی. هنگامی که صیاد شیرازی شهید می‌شود، سفیر وقت صدام در تهران این کار را محکوم

می‌کند و رجوی از این کار گلایه می‌کند. بعد از جلسه یازدهم دادگاه، ۲ برنامه درباره این پرونده از صدا و سیما پخش شد و من به خاطر حضورم در این دادگاه و افشاگری، از سوی سازمان تهدید شدم و من را خائن و مزدور خواندند.

در بین خانواده‌های اعضا مادرانی هستند که بیش از ۴۰ سال چشم انتظار دیدار فرزندانشان بودند و پدرانی هستند که در حسرت دیدار فرزندانشان فوت کردند و این افراد می‌خواهند به این دادگاه بیایند و شکایت کنند که به چه جرمی نمی‌توانند صدای فرزندانشان را بشنوند و آن‌ها را ببینند. این افراد نیز به نوعی قربانیان این سازمان هستند که هیچ سنخیتی با سیاست‌های سازمان ندارند و می‌خواهند در دادگاه شرکت کنند.»

### فراخوان رئیس دادگاه خطاب به شهروندانی که شکایتی از منافقین دارند

در ادامه، رئیس دادگاه خطاب به شهروندانی که شکایتی از منافقین دارند، مطرح کرد: به عنوان قاضی دادگاه اعلام می‌کنم این دادگاه شماره تماسی را اعلام خواهد کرد که حتی ایرانیان خارج از کشور می‌توانند شکایات خود را علیه سازمان مجاهدین و کشورهای میزبان آن‌ها به دادگاه کیفری یک استان تهران اعلام کنند و چنانچه شکایتی علیه دولت‌های میزبان دریافت کنیم، مطابق قانون به آن‌ها رسیدگی می‌کنیم.

رئیس دادگاه در پایان جلسه اعلام کرد جلسه بعدی در تاریخ نوزدهم تیرماه برگزار و اظهارات استماع خواهد شد.



